

مقایسه الگوهای دلبستگی، انتظار از ازدواج و معیارهای انتخاب همسر در بین دختران و پسران مجرد

آناهیتا گودرزی^۱

^۱ کارشناس ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

چکیده

هدف از انجام این پژوهش مقایسه الگوهای دلبستگی، انتظار از ازدواج و معیارهای انتخاب همسر در بین پسران و دختران مجرد دانشگاه آزاد واحد تهران شمال بود. روش انتخابی این نوع پژوهش علی-مقایسه ای از نوع پس رویدادی است. افراد تحت پوشش این پژوهش کلیه پسران و دختران دانشگاه آزاد واحد تهران شمال بودند. افراد انتخاب شده این پژوهش با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی و بر حسب جدول مورگان تعداد ۳۶۰ نفر از پسران و دختران شهر تهران شمال انتخاب شدند. پرسشنامه میدانی مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه الگوهای دلبستگی هازن (۱۹۹۰)، انتظار از ازدواج نلسون و دیلون (۱۹۹۶) و معیارهای انتخاب همسر رفاهی (۱۳۹۷) می باشد. یافته‌ها نشان داد که دختران نسبت به پسران دارای الگوی دلبستگی ایمن بیشتری بودند. پسران نسبت به دختران دارای الگوی دلبستگی ناایمن دوسوگرا بیشتری بودند. پسران نسبت به دختران دارای الگوی دلبستگی ناایمن اجتنابی بیشتری بودند. میزان انتظار از ازدواج دختران بیش از پسران بود و پسران نسبت به دختران از معیارهای انتخاب همسر بالاتری دارند.

واژه‌های کلیدی: الگوهای دلبستگی، انتظار از ازدواج، معیارهای انتخاب همسر

مقدمه

همانطور که می دانیم ازدواج یکی از مهمترین حوادث و رویدادهای زندگی است و نقش مهمی در سرنوشت و سعادت و خوشبختی انسان دارد، مضافاً بر اینکه اگر به نحو صحیح انجام پذیرد بسیاری از نیازهای انسان را اعم از نیازهای عاطفی و جنسی را تأمین و باعث آرامش روحی انسان می شود بنابراین در عین حال که نباید در انتخاب همسر خیلی وسواس گونه عمل کرد اما دقت، شناخت و اتخاذ تصمیم حساب شده و بالاخره انتخاب صحیح از شرایط ضروری یک ازدواج موفق است (مظاهری، ۱۳۹۸). انتخاب همسر یکی از مهم ترین انتخاب های زندگی هر فرد است که می تواند مسیر زندگی او را تغییر بدهد و سرنوشت سالهای بعدی زندگی را به شکل دیگری رقم بزند. اما ملاک هایی که دختران و پسران برای گرفتن این تصمیم دارند با هم تفاوت دارد. ملاک های انتخاب پسران و دختران، حاکی از آن است که برای پسران ملاک های جذابیت عشقی متقابل، سلامتی خوب، فراهم کننده موقعیت نشاط انگیز، شخصیت قابل اتکا، ثبات هیجانی و پختگی عاطفی بیشترین اهمیت را دارد و ملاک های زمینه تحصیلی مشابه، آینده مالی خوب، تشابه در عقاید سیاسی، تشابه مذهبی، دست پخت خوب، خانه دار بودن، کوشایی و ارتقا جویی کمترین اهمیت را دارد. برای دختران، شخصیت قابل اتکا، ثبات هیجانی و پختگی عاطفی، موقعیت اجتماعی خوب، اهل فرزند و خانواده داری، فراهم کننده موقعیت نشاط انگیز و اهل معاشرت بودن، مهم ترین ملاک ها و دست پخت خوب و خانه دار بودن، خوش قیافه بودن، زمینه تحصیلی مشابه، تشابه در عقاید سیاسی، تحصیلات و هوش و تشابه مذهبی کم اهمیت ترین ملاک ها هستند (رشید پور، ۱۳۹۷).

مهمترین عامل موفقیت در زندگی زناشویی، رشد عاطفی و فکری است. البته واضح است که درجه رشد عاطفی و فکری تنها بستگی به سن ندارد، بلکه سن روانی، اجتماعی و عاطفی و سن جسمانی همه از عوامل موثر روشنفکری است. اگر این عوامل فراهم باشد، بهترین سن برای ازدواج ۲۵ سالگی برای مرد و ۲۲ سالگی برای زن است. در این سن یک فرد عادی به اندازه کافی رشد و ثبات فکری و عاطفی دارد و امکان تغییر ناگهانی در رفتار او کم است، اگر چه در این سن عادات مختلف در فرد به صورت محکمی در آمده، ولی هنوز قابلیت تطبیق و سازش در او موجود است. البته باید اضافه کرد که این سن را تنها از لحاظ کلی انتخاب کردیم، بدین معنی که خیلی از دواجهای مقرون به خوشبختی وجود دارد که زن و مرد در موقع ازدواج بسیار مسن تر یا جوان تر از سن مذکور بوده اند. رشد جسمانی نیز عامل مهمی در آمادگی برای ازدواج است. اگر چه در اجتماع کنونی ما ازدواج معمولاً بعد از بلوغ صورت می گیرد، معهذا باید گفت که روان شناسان، زناشویی کودکان تازه بالغ را که آمادگی وارد شدن به زندگی پر مسئولیت زناشویی را ندارد، صلاح نمی بینند (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۸).

مسئله دیگری که از لحاظ بهداشت روانی قابل ملاحظه است اینکه آیا در ازدواج اختلاف هوش و معلومات سبب بروز اختلافات زناشویی خواهد شد یا خیر؟ تحقیقاتی که در این زمینه موجود است نشان می دهد که مردان تمایل دارند که با زنان کم هوش تر از خود ازدواج کنند و اغلب زنهای خیلی با هوش مجرد می مانند. از لحاظ خوشبختی زناشویی، صلاح است که مرد از لحاظ هوش، کمی برتر از زن باشد، زیرا محیط ما چنین اقتضاء می کند. ولی تفاوت زیادی در این مورد نباید وجود داشته باشد، زیرا در غیر این صورت علایق و طرز تفکر آنان با یکدیگر توافق نخواهد داشت. البته امکان دارد ازدواج موفقیت آمیزی که در آن زن با هوش و فعالی شریک است، وجود داشته باشد، ولی خطرات ناشی از آن زیاد است. در واقع هوش یک معیاری است که علایق و طرز تفکر خاصی را تولید می کند و در صورت اختلاف هوشی زیاد انطباق و توافق طرفین به شدت کاهش می یابد (مهدوی، ۱۳۹۹).

رشد اجتماعی رابطه نزدیکی با رشد عاطفی و فکری دارد، زیرا شخصی که از لحاظ اجتماعی رشد کرده است، روابط اجتماعی را بهتر درک می کند. او می داند چگونه با دیگران، به خصوص خانواده و همکارانش سازش کند. او درک می کند که انتظارات اجتماع از او چیست و تا اندازه زیادی قادر است خود را با این توقعات تطبیق دهد. همچنین او آماده قبول مسئولیت است و نسبت به محدودیتهای خود آگاهی دارد. یکی از مهمترین عوامل رشد، مقدار و چگونگی رشد عاطفی است. مثلاً شخص ممکن است سی یا چهل سال عمر کرده باشد، ولی از لحاظ رشد عاطفی عقب مانده محسوب شود. چنین شخصی قدرت کنترل احساسات و عواطف خود را ندارد و در نتیجه زندگی زناشویی او مختل می شود (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۸).

شخصی که رشد عاطفی کرده است، در مورد همسر و فرزند و دوستان و مشکلات زندگی نظریه واقع بینانه ای دارد. او دارای فلسفه زندگی معینی است که بر اساس آن می تواند از بحرانهای دایمی زندگی جلوگیری کند. او به پیشرفت های فعلی خود متکی است و زیاد به گذشته خود، هر چند هم با شکوه بوده باشد، اتکا ندارد. در ضمن به مطالبی از قبیل امور جنسی، عشق، ازدواج و تربیت کودک با روشنفکری می نگرد (پلاتز، ماسون و تایسون^۱، ۲۰۲۰). امروزه، نظریه ی دلبستگی در افراد بزرگسال، مرکز توجه روابط هیجانی عمده بوده و می تواند چارچوبی سودمند را در راستای مفهوم سازی و شیوه های درمانی در ارتباط با بزرگسالان مشکل دار ارائه دهد و نظریه ی دلبستگی بزرگسالان بعنوان یکی از مراکز توجه مشاوران در زمینه های مشاوره با افرادی است که روابط بین فردی معیوبی را تجربه می کنند. اثرات دلبستگی، نه تنها بر روی روابط بین فردی بلکه در زمینه ی آسیب شناسی روانی افراد بزرگسال حایز توجه است؛ رخدادهایی که درارتباط با دلبستگی کودک بوده به گونه ای غیر مستقیم می تواند جنبه هایی از احساس و افکار فرد بزرگسال را نیز شامل شود. الگو های دلبستگی بر روی تفکر، احساس و خاطرات افراد بزرگسال اثر گذاشته و بعنوان یکی از عوامل شناخته می شود که در تشخیص آسیب شناسی روانی، چشم اندازه های نوینی را منعکس ساخته اند (آتول^۲، ۲۰۱۸). بنابراین با توجه به مطالب ارائه شده هدف از این پژوهش این است که آیا بین الگو های دلبستگی، انتظار از ازدواج و معیارهای انتخاب همسر در بین پسران و دختران مجرد دانشگاه آزاد واحد تهران شمال تفاوتی وجود دارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر باتوجه به هدف کاربردی و شیوه اجرا از نوع علی-مقایسه ای است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه پسران و دختران مجرد دانشگاه آزاد واحد تهران شمال در سال تحصیلی ۱۴۰۲ بودند که تعداد آنها حدود ۸۰۰۰ نفر می باشد. نمونه آماری در این پژوهش نیز با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای و برحسب جدول مورگان تعداد ۳۶۰ نفر از دانشجویان به عنوان نمونه انتخاب شدند. بر اساس این نوع روش نمونه گیری ابتدا ازبین کلیه دانشکده های این دانشگاه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی انتخاب سپس تعداد ۳۶۰ نفر انتخاب شدند.

ابزار پژوهش:

۱) **مقیاس دلبستگی بزرگسال:** این مقیاس توسط هازن و شیور^۳ در سال ۱۹۸۷ ساخته شده و در ایران توسط رحیمیان بوگر و همکاران (۱۳۸۳) ترجمه گردید. در قسمت اول سه الگو دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برحسب ۴۰ سؤال در مقیاس پنج درجه ای لیکرت (هیچ=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) از هم متمایز می شوند (۱۸). ضریب آلفای کرنباخ هر یک از زیرمقیاس های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای یک نمونه ۲۴۰ نفری دانشجویان به ترتیب برابر با (۰/۷۴، ۰/۷۲ و ۰/۷۳؛ در پسران ۰/۷۳، ۰/۷۱ و ۰/۷۲) و در دختران (۰/۷۴، ۰/۷۱ و ۰/۶۹) گزارش شده است که نشانگر همسانی درونی بالای مقیاس دلبستگی است. همچنین ضریب همبستگی بین نمره های آزمودنی ها در نوبت با فاصله زمانی دوهفته برای کل آزمودنی ها (I=۰/۹۲)، برای آزمودنی های دختر (I=۰/۹۰) و برای آزمودنی های پسر (I=۰/۹۳)، بوده که نشانگر پایایی بازآزمایی بالای این مقیاس است. نحوه اجرای آزمون: پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان میتواند بصورت فردی یاگروهی اجرشودآزمون هابایستی در یک محیط آرام و با ارائه پرسشنامه به هر کدام ازآنهامودرآزمون قرارگیرند. دستورالعمل اجرای هربخش ازپرسشنامه به این صورت است که هرآزمودنی بایدازتوصیفات راکه باویژگی های خودش مطابق دارداعلامت

^۱ Palts, Tyson., & Mason

2. Atwool

^۳ Hazen & Shaver

بزند. مدت اجرای براساس زمینه یابی انجام شده ده دقیقه می باشد. نمره گذاری قسمت اول پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان براساس درجه بندی آزمودنی برای هر جمله توصیفی روی مقیاس هفت درجه ای از نوع لیکرت صورت میگیرد به اینطریق که به دایره شمهره یک کاملاً مخالفم نمره یک، دایره شماره دو تا حدی مخالفم نمره دو و ۰۰۰ و به همین طریق به دایره شماره هفت یعنی کاملاً موافقم نمره هفت تعلق می گیرد به این صورت مقیاس رتبه ای سیکرت با تبدیل نمرات و استفاده از مقیاس فاصله ای در تحلیل بکار برده می شود باتوجه به سه توصیفی که بایستی در این بخش مورد قضاوت آزمودنی قرار گیرده نمره بدست می آید که اولین نمره توصیف میزان دلبستگی ایمن دومین توصیف میزان دلبستگی اجتنابی سومین آنها میزان دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا نشان میدهد. بخش دوم این پرسشنامه بصورت انتخابی اجباری سه جمله توصیفی است آزمودنی بایستی بر حسب اینکه کدامیک از سه توصیف بالون هماهنگ تر است آن را علامت می زند بنابراین شماره های ۱، ۲، ۳، بعنوان مقیاس های اسمی نمایان گر دلبستگی ایمن اجتنابی و اضطرابی - دوسوگرا می باشد که بطور مجزا در تحلیل ها بکار گرفته می شود.

۲) ابزار سنجش انتظار از ازدواج: در این پژوهش انتظار از ازدواج به وسیله مقیاس انتظار از ازدواج (MES؛ جونز و نلسون، ۱۹۹۶) سنجیده خواهد شد. این مقیاس حاوی ۴۰ گویه است. ایم مقیاس سه زیرمقیاس انتظار واقع گرایانه به ازدواج، انتظار ایده آل گرایانه به ازدواج و انتظار بدبینانه به ازدواج را می سنجد. پاسخ دهندگان به گویه ها بر روی مقیاس ۵ درجه ای لیکرتی از کاملاً مخالف ((۱)) تا کاملاً موافق ((۵)) پاسخ میدهند. بنابراین حداقل نمره ۴۰ و حداکثر آن ۲۰۰ است. گویه های ۴، ۱۸، ۲۳، ۲۸، ۳۰، ۳۵ و ۳۸ بطور معکوس نمره گذاری می شوند. بطور کلی نمرات پایین تر نشان دهنده انتظارات بدبینانه از ازدواج و نمرات بالا نشان دهنده انتظارات ایده آل گرایانه از ازدواج است. نمراتی که در حد وسط هستند، انتظارات واقع گرایانه را نشان می دهند. همچنین نمرات بالا در خرده مقیاس های انتظار ایده آل گرایانه و واقع گرایانه نشان دهنده انتظارات ایده آل گرایانه و واقع گرایانه تر است، در صورتی که در خرده مقیاس انتظار بدبینانه نمرات پایین نشان دهنده انتظارات بدبینانه تر است. پاسخگویی به این مقیاس حدود ۱۰ دقیقه زمان می برد (جونز و نلسون، ۱۹۹۶). همانطور که ذکر شد مقیاس انتظار از ازدواج شامل سه زیر مقیاس انتظار واقع گرایانه به ازدواج، انتظار ایده آل گرایانه به ازدواج و انتظار بدبینانه به ازدواج می باشد. سازندگان پرسشنامه (جونز و نلسون، ۱۹۹۶) برای این مقیاس روایی و اعتبار بالایی را گزارش کرده اند، آنها برای کل مقیاس آلفای کرونباخ $0.80 - 0.79$ را گزارش داده اند. همچنین دیلون (۲۰۰۵) ضریب آلفای کرونباخ 0.80 را برای این مقیاس گزارش داده که نشان دهنده اعتبار بالای این پرسشنامه است. همچنین این پرسشنامه در ایران توسط نیلفروشان، عابدی، نویدیان و احمدی (۱۳۹۸) اعتبار یابی و روایی سنجی شده است و نتایج نشان دهنده روایی و اعتبار بالای این مقیاس است و می توان از آن به عنوان ابزاری مناسب برای سنجش انتظارات افراد از ازدواج استفاده کرد. نیلفروشان و همکاران (۱۳۹۸) اعتبار این مقیاس را به وسیله دو روش همسانی درونی و بازآزمایی مورد بررسی قرار داده اند. در روش همسانی درونی ضرایب اعتبار آلفای کرونباخ برای کل نمونه و هریک از دو گروه دختر و پسر به شرح جدول ۳ - ۶ می باشد که نشان میدهد در کل نمونه ضریب اعتبار (همسانی درونی) مقیاس انتظار از ازدواج به روش آلفای کرونباخ 0.88 می باشد.

۳) پرسشنامه معیارهای انتخاب همسر: پرسشنامه معیارهای انتخاب همسر، مشتمل بر ۲۲ عبارت است که توسط رفاهی (۱۳۹۷) در ایران تهیه شده و روش پاسخدهی به آن به صورت لیکرت است و دو بعد فرآیندی و محتوایی را در انتخاب همسر بررسی می نماید اعتبار پرسشنامه به روش محاسبه ی آلفای کرونباخ 0.87 محاسبه گردیده که نشانه اعتبار بایی پرسشنامه است و همچنین روایی سازه پرسشنامه در کل دو عامل محتوایی و فرآیندی است که ۷۵ درصد واریانس کل را تبیین می کنند و حاکی از روایی قابل قبول پرسشنامه است

یافته ها

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار نمره متغیرهای الگوهای دلبستگی ایمن، نایمن دوسوگرا و نایمن اجتنابی، انتظار از ازدواج و معیارهای انتخاب همسر در پسران و دختران

متغیر	شاخص های آماری آزمودنی ها	میانگین	انحراف معیار	تعداد
الگوی دلبستگی ایمن	دانشجویان مرد	۲۹/۵۸	۴/۸۴	۱۶۰
	دانشجویان زن	۳۴/۶۲	۶/۳۹	۲۰۰
	کل دانشجویان	۳۲/۶۰	۵/۷۵	۳۶۰
الگوی دلبستگی نایمن اجتنابی	دانشجویان مرد	۳۰/۱۶	۵/۷۷	۱۶۰
	دانشجویان زن	۲۷/۸۶	۴/۱۴	۲۰۰
	کل دانشجویان	۲۸/۹۹	۵/۹۵	۳۶۰
الگوی دلبستگی نایمن دوسوگرا	دانشجویان مرد	۲۶/۹۵	۴/۶۴	۱۶۰
	دانشجویان زن	۲۲/۹۷	۳/۴۱	۲۰۰
	کل دانشجویان	۲۴/۹۶	۴/۷۱	۳۶۰
انتظار از ازدواج	دانشجویان مرد	۴۷/۴۲	۱۱/۰۷	۱۶۰
	دانشجویان زن	۴۳/۹۰	۱۰/۳۴	۲۰۰
	کل دانشجویان	۴۵/۶۶	۱۰/۸۴	۳۶۰
معیارهای انتخاب همسر	دانشجویان مرد	۶۰/۷۶	۱۱/۸۶	۱۶۰
	دانشجویان زن	۶۴/۳۲	۹/۶۸	۲۰۰
	کل دانشجویان	۶۲/۵۴	۱۰/۹۶	۳۶۰

جدول ۱ مشاهده میانگین و انحراف معیار متغیرهای الگوهای دلبستگی ایمن، نایمن دوسوگرا و نایمن اجتنابی، انتظار از ازدواج و معیارهای انتخاب همسر در پسران و دختران را نشان می دهد.

جدول ۲: نتایج آزمون لوین در مورد پیش فرض تساوی واریانس‌های نمره‌ها متغیرهای تحقیق دو گروه در جامعه

متغیر	F	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	سطح معنی داری
الگوی دلبستگی ایمن	۰/۰۱۹	۱	۳۵۸	۰/۸۹۱
الگوی دلبستگی ناایمن دوسوگرا	۱/۹۱۰	۱	۳۵۸	۰/۱۶۸
الگوی دلبستگی ناایمن اجتنابی	۰/۴۱۲	۱	۳۵۸	۰/۵۲۱
انتظار از ازدواج	۱/۷۴۵	۱	۳۵۸	۰/۱۸۷
معیارهای انتخاب همسر	۱/۵۳۸	۱	۳۵۸	۰/۰۶۸

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، فرض صفر برای تساوی واریانس‌های نمره‌ها سه گروه در کلیه متغیرهای تحقیق تأیید می‌گردد. یعنی پیش فرض تساوی واریانس‌های نمره‌ها در دو گروه دختران و پسران تأیید گردید. با این حال وقتی که حجم نمونه‌ها مساوی باشد معنی دار شدن آزمون لیون تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر سطح آلفای اسمی نخواهد داشت.

جدول ۳: نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف در مورد پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای تحقیق

نرمال بودن توزیع نمرات			کلموگروف - اسمیرنوف	
آماره	تعداد	معنی داری		
۰/۹۴۰	۳۶۰	۰/۳۳۹	الگوی دلبستگی ایمن	
۰/۴۷۹	۳۶۰	۰/۹۷۶	الگوی دلبستگی ناایمن دوسوگرا	
۱/۸۱۱	۳۶۰	۰/۵۲۶	الگوی دلبستگی ناایمن اجتنابی	
۱/۴۸۹	۳۶۰	۰/۲۴۰	انتظار از ازدواج	
۱/۹۴۰	۳۶۰	۰/۰۶۲	معیارهای انتخاب همسر	

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌گردد، فرض صفر برای نرمال بودن توزیع نمرات همه متغیرهای تحقیق تأیید می‌گردد.

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) روی نمرات الگوهای دلبستگی ایمن، ناایمن دوسوگرا و ناایمن اجتنابی، انتظار از ازدواج و معیارهای انتخاب همسر در پسران و دختران

نام آزمون	مقدار	DF فرضیه	DF خطا	F	سطح معنی داری (p)
آزمون/اثر پیلایی	۰/۱۰۵	۵	۳۵۴	۶/۲۵۱	۰/۰۰۰۱
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۸۹۵	۵	۳۵۴	۶/۲۵۱	۰/۰۰۰۱
آزمون اثر هتلینگ	۰/۱۱۸	۵	۳۵۴	۶/۲۵۱	۰/۰۰۰۱
آزمون بزرگترین ریشه روی	۰/۱۱۸	۵	۳۵۴	۶/۲۵۱	۰/۰۰۰۱

همان طوری که در جدول ۴ نشان داده شده است سطوح معنی داری همه آزمونها، بیانگر آن هستند که بین پسران و دختران حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای ط الگو های دلبستگی ایمن، نایمن دوسوگرا و نایمن اجتنابی، انتظار از ازدواج و معیارهای انتخاب همسر تفاوت معنی داری وجود دارد. برای پی بردن به تفاوت، نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک متغیری در متن مانوا، در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۵ نتایج تحلیل واریانس یک متغیری در متن مانواری الگو های دلبستگی ایمن، نایمن دوسوگرا و نایمن اجتنابی در پسران و دختران

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
الگوی دلبستگی ایمن	۱۵۶۸/۴۹	۱	۱۵۶۸/۴۹	۱۵/۰۳	۰/۰۰۱
الگوی دلبستگی نایمن دوسوگرا	۲۰۷۲/۳۷	۱	۲۰۷۲/۳۷	۱۲/۸۱	۰/۰۰۰۱
الگوی دلبستگی نایمن اجتنابی	۷۰۹/۵۶	۱	۷۰۹/۵۶	۹/۸۹	۰/۰۲۵
انتظار از ازدواج	۱۱۰۰/۶۸۸	۱	۱۱۰۰/۶۸۸	۹/۷۲۸	۰/۰۰۲
معیارهای انتخاب همسر	۱۱۲۵/۸۶۷	۱	۱۱۲۵/۸۶۷	۹/۷۴۵	۰/۰۰۲

همان طوری که در جدول ۵ مشاهده می شود بین دانشجویان زن و مرد از لحاظ الگوی دلبستگی ایمن تفاوت معنی داری وجود دارد. ($F=15/03$ و $p=0/0001$). به عبارت دیگر، با توجه به میانگین های دو گروه، دانشجویان زن نسبت به دانشجویان مرد دارای الگوی دلبستگی ایمن بیشتری بودند. بین دانشجویان زن و مرد از لحاظ الگوی دلبستگی نایمن دوسوگرا تفاوت معنی داری وجود دارد. ($F=12/81$ و $p=0/0001$). به عبارت دیگر، با توجه به میانگین های دو گروه، دانشجویان زن نسبت به دانشجویان مرد دارای الگوی دلبستگی نایمن دوسوگرا بیشتری بودند. بین دانشجویان زن و مرد از لحاظ الگوی دلبستگی نایمن اجتنابی تفاوت معنی داری وجود دارد. ($F=9/89$ و $p=0/025$). به عبارت دیگر، با توجه به میانگین های دو گروه، دانشجویان مرد نسبت به دانشجویان زن دارای الگوی دلبستگی نایمن اجتنابی بیشتری بودند. بین پسران و دختران از لحاظ انتظار از ازدواج تفاوت معنی داری مشاهده می شود ($F=9/728$ و $p=0/002$). به عبارت دیگر، با توجه به میانگین های دو گروه، پسران نسبت به دختران از انتظار از ازدواج بیشتری برخوردارند. بین پسران و دختران از لحاظ معیارهای انتخاب همسر تفاوت معنی داری مشاهده می شود ($F=9/745$ و $p=0/002$). به عبارت دیگر، با توجه به میانگین های دو گروه، پسران نسبت به دختران از معیارهای انتخاب همسر بالاتری دارند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد بین دانشجویان زن و مرد از لحاظ الگوی دلبستگی ایمن تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین های دو گروه، دانشجویان زن نسبت به دانشجویان مرد دارای الگوی دلبستگی ایمن بیشتری بودند. نتایج نشان داد

بین دانشجویان زن و مرد از لحاظ الگوی دلبستگی نایمن دوسوگرا تفاوت معنی داری وجود دارد.. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین های دو گروه، دانشجویان مرد نسبت به دانشجویان زن دارای الگوی دلبستگی نایمن دوسوگرا بیشتری بودند. نتایج نشان داد بین دانشجویان زن و مرد از لحاظ الگوی دلبستگی نایمن اجتنابی تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین های دو گروه، دانشجویان مرد نسبت به دانشجویان زن دارای الگوی دلبستگی نایمن اجتنابی بیشتری بودند. در تبیین این نتایج می توان گفت که افرادی که دارای الگو دلبستگی ایمن هستند قادرند درباره کیفیت و اثرات دلبستگی خود و مثبت و منفی بودن این ارتباط بطور منطقی بحث کنند. آنها اهمیت رابطه دلبستگی را در دوران کودکی تأیید می کنند. افراد ایمن تجسم مثبت و حمایت گر از چهره دلبستگی دارند، این تجسم مثبت، احساس خود ارزشمندی و تسلط را در این افراد افزایش داده و خود را قادر می سازد که عواطف منفی خود را به شیوه ای سازنده تعدیل کند. ویژگی های دیگر افراد ایمن آن است که کمتر از خطرات می ترسند زیرا در موقعیت خطرناک خود را تنها احساس نمی کنند. تمایل به برقراری ارتباط صمیمانه و مثبت با دیگران دارند، از اعتماد به نفس بالاتری نسبت به بزرگسالان نا ایمن برخوردارند، نسبت به دنیا و دیگران نگرش مثبت داشته و به آن اعتماد دارند. کسانی که دلبستگی مطمئن دارند معمولاً به دنبال روابط قابل اعتمادتر و پایدارتری هستند. سایر ویژگی های کلیدی دلبستگی مطمئن در بزرگسالان شامل خودباوری زیاد، لذت بردن از روابط صمیمانه، جستجوی حمایت اجتماعی و توانایی در به اشتراک گذاشتن احساسات با دیگران است. پژوهشگران در یک مطالعه دریافتند که زنانی که دارای الگو دلبستگی مطمئن هستند، احساسات مثبت تری درباره روابط عاطفی و عاشقانه خود دارند. بنابراین در این پژوهش نشان داده شد، با توجه به میانگین های دو گروه، دانشجویان زن نسبت به دانشجویان مرد دارای الگوی دلبستگی ایمن بیشتری بودند.

افراد با دلبستگی دوسوگرا به شدت نسبت به بیگانگان مشکوک هستند. این افرادی به هنگام جدا شدن از اطرافیان، ناراحتی زیادی نشان می دهند اما با بازگشت آنها نیز به نظر نمی رسد که آرامش یافته اند. در بعضی موارد، افراد ممکن است اطرافیان را طرد کند و به سراغ آنها نرود و یا به طور آشکار به آنها پرخاش کند. بر طبق مطالعات و پژوهش های انجام شده، دلبستگی دوسوگرا نسبتاً غیر متداول است و تنها در ۷ تا ۱۵ درصد افراد وجود دارد. کاسیدی و برلین در مورد مطالبی که درباره دلبستگی دوسوگرا نوشته شده است نیز دریافتند که پژوهش های مشاهده ای همگی دلبستگی دوسوگرا- نامطمئن را با در دسترس نبودن مادر به قدر کافی مرتبط دانسته اند. این کودکان به تدریج که بزرگتر شده اند، معلمان شان آنها را وابسته و متکی به دیگران توصیف کرده اند. در بزرگسالان، کسانی که دلبستگی دوسوگرا دارند غالباً تمایلی به نزدیک شدن با دیگران ندارند و نگرانند که طرف مقابلشان متقابلاً به احساسات آنها پاسخ ندهد. این امر به قطع متوالی رابطه، غالباً به دلیل احساس سرد شدن رابطه و دوری، می انجامد. این افراد پس از خاتمه یافتن یک رابطه، بسیار احساس آشفتگی و پریشانی می کنند. کاسیدی و برلین الگوی آسیب شناسانه دیگری را نیز در بزرگسالانی که الگو دلبستگی دوسوگرا دارند توصیف کرده اند، بدین ترتیب که این افراد به عنوان منبع امنیت به کودکان کم سن و سال وابستگی پیدا می کنند. بنابراین در این پژوهش نشان داده شد، با توجه به میانگین های دو گروه، دانشجویان مرد نسبت به دانشجویان زن دارای الگوی دلبستگی نایمن دوسوگرا بیشتری بودند.

افرادی که الگو دلبستگی اجتنابی دارند از اطرافیان خود دوری می کنند. این اجتناب غالباً پس از یک دوره غیبت ابراز می شود. این افراد ممکن است توجه اطرافیان خود را رد نکنند اما نه در جستجوی جلب توجه آنها بر می آیند و نه کسب آرامش و آسایش از ارتباط با آنها می کنند. کسانی که دلبستگی اجتنابی دارند، در برقراری روابط نزدیک و صمیمانه مشکل دارند. این افراد سرمایه گذاری عاطفی چندانی در برقراری روابط با دیگران نمی کنند و در صورت خاتمه یافتن یک رابطه نیز زیاد ناراحت نمی شوند. آنها معمولاً با بهانه هایی (مثل درگیری های کاری) از برقراری روابط نزدیک اجتناب می کنند. پژوهش ها همچنین نشان داده اند که بزرگسالانی با الگو دلبستگی اجتنابی، بیشتر پذیرای روابط جنسی اتفاقی و تصادفی هستند. دیگر ویژگی های متداول این افراد عبارت است از ناکامی در پشتیبانی از دوستان و نزدیکان در خلال لحظات پر استرس و نیز ناتوانی در به اشتراک گذاشتن احساسات، افکار و هیجانات با دیگران. بنابراین در این پژوهش نشان داده شد، با

توجه به میانگین های دو گروه، دانشجویان مرد نسبت به دانشجویان زن دارای الگوی دلبستگی ناایمن اجتنابی بیشتری بودند.

نتایج نشان داد بین پسران و دختران از لحاظ انتظار از ازدواج تفاوت معنی داری مشاهده می شود. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین های دو گروه، پسران نسبت به دختران از انتظار از ازدواج بیشتری برخوردارند. در تبیین این نتیجه می توان گفت که ازدواج و تولد فرزند از مهم ترین «تغییرات» زندگی هر دختری است. در واقع، این تغییرها نوعی انقلاب است که بر تمام وجوه زندگی آینده ی وی اثرگذار است و می تواند خوش آیندترین یا بدترین تجربه ی زندگی وی باشد. از یک طرف، هیچ گاه نمی توان به ازدواج به صورت مطلق نگاه کرد، بلکه در واقع بسیاری از ازدواج ها از برخی جهات، موفق و از جهات دیگر ناموفق اند. از طرف دیگر، بسیاری از دختران معتقدند که ازدواج امری است ساده؛ اما در مقابل، برخی دیگر معتقدند که نمی توان به ازدواج به گونه ای ساده نگریست و عوامل متعددی آن را احاطه کرده است (انتظاری، ۱۴۰۰).

یکی از این عوامل، باورهای منفی است که در مورد ازدواج وجود دارد. ازدواج موفق، پایه و مبنایی عالی برای ایجاد خانواده ای شاد و مستحکم است و هیچ چیزی در جهان نمی تواند انسان ها را شاداب تر کند، مگر افزایش ازدواج های موفق. حتی استحکام یک ملت با ثبات و استحکام خانواده، هم بستگی مثبت دارد. زوج های موفق با نگرشی غیرمنطقی به سمت مقوله ی ازدواج حرکت نمی کنند. آن ها چالش ها و مشکلات ازدواج را نادیده نمی گیرند و همیشه این نکته را مدنظر دارند که «ارتباط» فی نفسه بی دردسر نخواهد بود. آن ها هم چنین بر این نکته توافق دارند تنها در صورتی زندگی موفق و شادی خواهند داشت که هر دو برای موفقیت این زندگی تلاش کنند. در واقع، باورهای غیرواقع بینانه، دختران جوان را در شناخت خود و دیگران دچار اشتباه و لغزش می کند و بر فرآیند تصمیم گیری، ازدواج و نوع ارتباط تأثیر فراوان دارد. اگر دختران ما طرز تلقی نادرست و نگرش منفی خود را شناسایی کنند و با آن به چالش برخیزند، به احتمال زیاد، زندگی مشترک خوش آیندی را پیش رو دارند. در غیر این صورت، تنها بعد از این که مدت زمانی از زندگی مشترک می گذرد، خواهند فهمید که بخشی از تصورها ی شان راجع به زندگی زنشویی، خیالاتی بیش نبوده است و زندگی را نمی توان با رویاهای واهی ساخت (رشید پور، ۱۳۹۷). در هر حال، اگر دختران انتظاراتی غیرمنطقی (که در تضاد با واقعیت هستند و افراد را از دست یابی به اهداف اساسی ازدواج باز می دارد)، در مورد انتخاب همسر داشته باشند، بیش تر احتمال دارد دچار تردید، شکست و ناکامی در موقعیت پس از ازدواج شوند. در صورتی که اگر با شناخت کافی و با آگاهی کامل در مورد پدیده ی ازدواج و عوامل موفقیت آن بیندیشند، انتظارات واقع بینانه از چالش های ازدواج خواهند داشت و این موضوع باعث می شود، در آینده تعارضات زندگی را به صورت منطقی و مناسب حل کنند و بر سر باورهای اعتقادی با یک دیگر توافق و نقش برابری را در روابط با همسرشان داشته باشند. درست است که نمی توان ازدواج را به طور کامل تضمین کرد؛ اما باید فاکتورهایی را که با موفقیت و عدم موفقیت در زندگی مشترک و ازدواج همراه است، تا حد امکان شناخت. بهتر است حتی برای یک بار هم شده به زندگی تان و انتظاری که از آینده ی ازدواج تان دارید، نگاه کنید و با دلایل منطقی تر در این مورد تصمیم بگیرید.

نتایج نشان داد بین پسران و دختران از لحاظ معیارهای انتخاب همسر تفاوت معنی داری مشاهده می شود. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین های دو گروه، پسران نسبت به دختران از معیارهای انتخاب همسر بالاتری دارند. در تبیین این یافته ها میتوان گفت که نقش بسیار پر رنگی که سالها ازدواج در تمام ابعاد زندگی انسانها ایفا می کند، ذهن را به سمت تفکر هر چه بیشتر در مورد چگونگی انتخاب و تصمیم گیری سوق می دهد ازدواج تعهدی است که افراد در بزرگسالی قبول می کنند و به عنوان مهمترین و مدترین نهاد اجتماعی و مکانی برای رشد و پرورش عاطفی پسران همواره مد نظر بوده است ازدواج، اولین و مهمترین مرحله در الگو زندگی خانوادگی است که در آن انتخاب همسر صورت می گیرد و موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد (رشید پور، ۱۳۹۷).

انتخاب همسر یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های زندگی هر فرد است که می‌تواند مسیر زندگی او را تغییر بدهد و سرنوشت سالهای بعدی زندگی را به شکل دیگری رقم بزند. اما ملاک‌هایی که دختران و پسران برای گرفتن این تصمیم دارند با هم تفاوت دارد. ملاک‌های انتخاب پسران و دختران، حاکی از آن است که برای پسران ملاک‌های جذابیت عشقی متقابل، سلامتی خوب، فراهم کننده موقعیت نشاط‌انگیز، شخصیت قابل اتکا، ثبات هیجانی و پختگی عاطفی بیشترین اهمیت را دارد و ملاک‌های زمینه تحصیلی مشابه، آینده مالی خوب، تشابه در عقاید سیاسی، تشابه مذهبی، دست‌پخت خوب، خانه‌دار بودن، کوشایی و ارتقاجویی کمترین اهمیت را دارد. برای دختران، شخصیت قابل اتکا، ثبات هیجانی و پختگی عاطفی، موقعیت اجتماعی خوب، اهل فرزند و خانواده‌داری، فراهم کننده موقعیت نشاط‌انگیز و اهل معاشرت بودن، مهم‌ترین ملاک‌ها و دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن، خوش‌قیافه بودن، زمینه تحصیلی مشابه، تشابه در عقاید سیاسی، تحصیلات و هوش و تشابه مذهبی کم‌اهمیت‌ترین ملاک‌ها هستند (حسینی، ۱۳۹۹).

اولویتها و معیارهای همسرگزینی، ادراکاتی در مورد صفات یا ویژگیهایی هستند که از یک معشوق خیالی تا همسر بالقوه، مطالبه می‌شوند و تعداد زیادی از این ادراکات به صورت واضحی با هیجانها در ارتباط هستند. شکل‌گیری این معیارها امری نیست که به طور ناگهانی در فرد به وجود بیاید، بلکه همه آنها نتیجه رشد یک سلسله فرآیندهای شناختی، عقلانی، اجتماعی و روانی فرد است. طرحواره‌های باثبات ذهنی، یکی از تعیین‌کننده‌های درونی‌ای هستند که نقش بسیار مهمی در انتخاب همسر و نیز راهبردهای مقابله‌ای در رابطه عاطفی دارند.

منابع

- اکرمیان، فهیمه (۱۳۹۸). مقایسه ملاک‌های همسرگزینی در افراد با میزان خودمتمایزسازی بالا و پایین در کاشان پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی
- بخشنده، فرشید. (۱۴۰۰). بررسی مقایسه میزان همدلی اجتماعی در دختران و پسران دبیرستانی شهر تهران شمال، سومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم رفتاری، تهران، موسسه اطلاع‌رسانی نارکیش،
- علی اکبری، مهناز. (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی در دختران جوان شهر اهواز، دانشور رفتار، دوره ۱۴، شماره ۲۵، صفحه ۷۵ تا صفحه ۸۳
- مصلحتی، حسین. (۱۳۹۹). ازدواج و ازدواج درمانی - تهران - نشر البرز
- انتظاری مرجان. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار با تعارض زناشویی و بی‌ثباتی زناشویی در بین زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی. ۱؛ ۱ (۱): ۴۶-۵۸
- یانگ، جفری؛ کلوسکو، ژانت؛ ویشار، ماری جوی. (۲۰۰۳). طرحواره درمانی. ترجمه: حسن حمید پور، زهرا اندوز. (۱۳۹۸). تهران: ارجمند.
- احمدی، خدا بخش. (۱۳۹۸). بررسی عوامل سازگاری زوجین مقایسه مداخله‌های تغییر شیوه‌ی زندگی و حل مشکل خانوادگی در کاهش ناسازگاری زناشویی. پایان نامه دکتری مشاوره. دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- خمسه، اکرم. (۱۳۹۸). بررسی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی بر طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه قومی از دانشجویان در ایران، مجله مطالعات روانشناختی، دانشگاه الزهراء، دوره سوم، شماره دوم: ۱۴۶-۱۲۹

دشت بزرگی، زهرا، صفرزاده، سحر. (۱۳۹۸). مقایسه نوع دوستی، حس همدلی و مسئولیت پذیری اجتماعی بین مشاوران زن و مرد شهر اهواز، مجله روان شناسی اجتماعی، سال نهم، شماره ۳

شاویسی زاد، سعید. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روانی فرزندان شاهد و ایثار گر، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم تحقیقات کرمانشاه، منتشر نشده، دانشکده روانشناسی.

مظاهری، علی اکبری. (۱۳۹۸). اخلاق خانواده، تهران: انتشارات شفق

رشید پور، مجید (۱۳۹۷) مراحل ازدواج، چاپ ششم، تهران: انتشارات بدر

حسینی بیرجندی، سیدمهدی. (۱۳۹۸). مشاوره در آستانه ازدواج، چاپ اول، تهران: انتشارات آوای نور

مهدوی، محمد صادق. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

سلیمانیان، علی اکبر. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر تفکرات غیرمنطقی براساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه تربیت معلم تهران.

گلدنبرگ، گلدنبرگ. (۲۰۰۳). خانواده درمانی، ترجمه حمید رضا حسین شاهی براوتی. (۱۴۰۰)، تهران: روان.

گرین، برگ. (۲۰۰۸). بازسازی روابط زناشویی، ترجمه انتظار، مهرداد. (۱۳۹۷). نشر بدرقه جاویدان، تهران.

مشاک، رویا، سحر صفرزاده. (۱۳۹۹). مقایسه مؤلفه های عشق (صمیمیت، هوس و تعهد) و رضایت زناشویی دانشجویان زن و مرد، اولین همایش ملی بهداشت خانواده و اصلاح شیوه زندگی، اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

مظاهری، علی اکبری. (۱۳۹۸). اخلاق خانواده، تهران: انتشارات شفق

رشید پور، مجید (۱۳۹۷) مراحل ازدواج، چاپ ششم، تهران: انتشارات بدر

حسینی بیرجندی، سیدمهدی. (۱۳۹۸). مشاوره در آستانه ازدواج، چاپ اول، تهران: انتشارات آوای نور

مهدوی، محمد صادق. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

Palts, H, Tyson, M., Mason, O. (2020). Adult attachment style and core beliefs: are they linked? *Clinical psychology and psychotherapy*, 9, 332-348.

Kardatzke, K. N. (2021). *Perceived Stress, Ault Attachment, Dyadic Coping and Marital Satisfaction of Counseling Graduate Students*. Unpublished doctoral dissertation. Green sboro, university.

Ahmadi, K. Nabipoor, S. M., Kimiaee, S. A., & Afzali. M. H. (2018). Effect of family problem Soving on marital Satisfaction. *Journal of Applied Science*, 1. (8): 682-687.

Bagarozzi, D. A. (2001). *Enhancing Intimacy in Marriage: A Clinician's Handbook*. Brunner-Routledge.

Birnbaum, G. E. (2019). Attachment orientations, sexual functioning, and relationship satisfaction in a community sample of women. *Journal of Social Personality Related*, 24(1), ۲۱-۳۵.

Brezsnyak, S. M. (2018). The relationship between communication pattern & marital satisfaction in employed couple. *Qartely of family research*, 1(2):26-34.

- Christensen, A. & Shenk, J. L. (1991). *Communication, conflict and psychological distance in nondistressed, clinic, and divorcing couples*. Journal of consulting and clinical psychology, 59, 458-463.
- Christensen, A. & Heavy, C. L. (1990). *Gender & Social structure in the demand/withdraw pattern of marital conflict*. Journal of personality & social Psychology, 59, 73-81.
- Cobb, R. J., Davila, J. Bradbury, T. N. (2001). Attachment Security and marital Satisfaction: the role of positive perception and Social Support. Personality and Social Psychology, 27, ۱۱۳۱-۱۱۴۳.
- Christensen, A. & Salavy, R. J. (1991). *Communication, conflict & psychological distance in nondistressed, clinic & divorcing couples*. Journal of consulting & clinical Psychology, 59, 458-۴۶۳.
- Landman, S. M. (2021). *Emotional skillfulness in African American marriage: Intimate safety as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction*. Doctoral Dissertation, University of Akron.
- Davis, D., Shaver, P. R., Widaman, I. K. F., Vernon, M. L., Follette, W. C., & Beitz, K. (2020). "I can't get no satisfaction": Insecure attachment, inhibited sexual communication, and sexual dissatisfaction. *Personal Relationships*. 13:465-483
- Divon, K. L. (1991). Psychological individualism and romantic love, Journal of Social Behavior and Personality, 6. 11-33.
- Edalati, A., Redzuann, M. (2018). Perception of Women towards Family values and Their Marital Satisfaction. Journal of American Science, 6(4): 132-137.
- Eckert, R. M. (2019). *Intimacy, libido, depressive symptoms and marital satisfaction in postpartum couples*. Doctoral Nursing Practice Dissertation, Drexel university.
- Fisher, H. E. (2006). The drive to love. In R. Sternberg & K. Weis (Eds.), *The new Psychology of love* (pp 87-115) New Haven: Yale university press.
- Fatehzadeh, M. Ahmadi, A. (2005). *The relationship between communication pattern & marital satisfaction in employed couple*. Quarterly of family research, 1(2): 26-34.
- Hazen S, Kumamoto Y, Sato Y, Masumori N, Horita H, Kato R. (2018). Prevalence of female sexual dysfunction symptoms and its relationship to quality of life: a Japanese female cohort study. *Urology*.; 65(1): 143-8.
- Hendrick, S. S., Hendrick, C. (1992). *Romantic love*, Newbury Park, CA: Sage.
- Huber, C. H., Navarro, R. L., Womble, M. W., and Mumme, J. L. (2018). Family Resilience and midlife Marital satisfaction. *The family journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 33 vol: 347-456 1-1.
- Johson, W., and Krueger, R. F. (2006). How money buys happiness: Genetic and environmental processes linking finances and life satisfaction. *Journal of personality and Social psychology*, 9. (4): ۶۸۰-۶۹۱.
- Papalia, D. E. (2002). *A child's world: infancy through adolescence*. New York: McGraw-Hill.

- Markman, H., Stanley, S., Blumberg, S. L. (2019). *Fighting for your marriage*. San Francisco, CA: Jossey- Bass, Inc.
- Mirgain, S.A., and Cordova, J.V. (2019). Emotion skills and marital health: The association between observed and self reported emotion skills, intimacy and marital satisfaction. *Journal Of Social And Clinical Psychology*, 26(9):983_1009.
- Kristiina M Iler; C. Philip Hwang; Birgitta Wickberg (2019). Romantic attachment, parenthood and marital. *Journal of Reproductive and Infant Psychology*. 24, 3, 233-240.
- Kardoo, B. R. (2019). The longitudinal course of marital quality stability: a review of theory, method, and research. *Psychological Bulletin*, 118, 3-34.
- Kasten JP, (2018). How does personality matter in marriage: An examination of trait anxiety, interpersonal negativity and marital satisfaction. *J Pers Soc Psycholm*, 17:386-407
- Karland, S.M. (2018). The revolution in couple therapy. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29, 348-36
- Pines, M.A. (2005). *Falling in love (why we choose the loves we choose)*. New York and hove: Rutledge.
- Simpson, J. A. (1990). Attachment and the experience and expression of emotions in romantic relation ship. *Journal of personality and social psychology* 92, 355-3670.
- Shramm, W.Z. & Roberts, D.F. (2019). *The Process & effects of Mass communication revised edition*, university of Illinois press.